

زیست مسلمانی ما در جهان امروز

می گوئیم پیامبر اسوه حسنه زیست مسلمانی ماست. اما بسیاری از رویکردهای معرفی این الگو و اسوه حسنه متناسب شخصیت جهانی پیامبر نبوده است.



یادداشتی از دکتر مصطفی دلشاد تهرانی

می گوئیم پیامبر اسوه حسنه زیست مسلمانی ماست. اما بسیاری از رویکردهای معرفی این الگو و اسوه حسنه متناسب شخصیت جهانی پیامبر نبوده است. چرا؟ اکثر رویکردهایی که تا به امروز اتفاق افتاده است، پاسخ مناسبی برای این پرسش نیست. بیشترین رویکردی که به پیامبر شده، رویکرد تاریخی است. ما پیامبر را شخصیتی تاریخی دیدیم که در زمانی به دنیا آمده، بزرگ شده، مبعوث شده، دوران مکی و مدنی سر شده و سپس رحلت کرده است. این نوع نگاه، نگاهی تاریخی و البته درست است، اما باید رویکرد دیگری در نظر بگیریم.

معتقدم رویکردمان به پیامبر بایستی رویکردی اسوه‌ای، نمونه‌ای و الگویی باشد. یعنی پیامبر مدل زندگی ایمانی است. پیامبر اسوه حسنه زیست مسلمانی است. اگر به دنبال زیست مسلمانی، ایمانی و انسانی هستیم، بهترین نمونه پیامبر(ص) است. امیرالمؤمنین در خطبه ۱۶۰ نهج‌البلاغه جمله‌ای دارد که می‌گوید «لقد کان فی رسول‌الله کافٍ لکف الاسوة» یعنی پیامبر نمونه‌ای کافی برای شما، برای الگو گرفتن است. بعد حضرت می‌رسد به عبارت «فتأسّ بنبیّ الاطیب الأطهر، فإنّ فیهِ اُسوة لمن تأسّی و عزاء لمن تعزّی و أحب العباد الی الله المتأسّی بنبیّه و المقتصّ لأثره». پس به پیامبر پاک و پاکیزه‌ات اقتدا کن، بی‌گمان در پیامبر اسوه و نمونه‌ای است برای کسی که بخواهد الگو بگیرد و الگویی است عالی برای هر کس که بخواهد الگو پذیرد. محبوب‌ترین بندگان نزد خدا کسی است که به پیامبرش تأسّی کند و او را دنبال نماید.

در حقیقت در دوران معاصر با تغییر شرائط جهان ما نیاز به پیامبر و آموزه‌های او مطرح بوده است. امروز باید به مجموعه اصولی راهنما دست یافت که این اصول، فطری و مانند اصول برهانی هستند، و به دلیل فطری بودن و برهانی بودنشان ثابت و قابل پیروی در همه زمان‌ها و برای همه مردمان خواهند بود؛ یعنی در عین آن که مشکل امور و جزئیات مسائل تغییر می‌یابد، اصولی کلی بر زندگی و رفتارها و عملکردها حاکم باشد، مثلاً در زندگی اجتماعی اصولی مانند اصل رفق و مدارا، اصل عدالت اجتماعی، اصل شورا، اصل تعاون و ... ، اصول خاص یک زمان و ویژه یک گروه از مردمان نیستند و می‌توانند راهنمای عمل برای همگان و در هر زمان باشند.

بنابراین می‌بینیم که هر چه تمدن بشری پیچیده‌تر شود و هر چه امکانات بیش‌تر گردد و هر چه ارتباطات گسترده‌تر شود، قواعد و قوانین نظری و امور فطری، دگرگونی نمی‌یابند. هر چند شکل مسائل، عوض می‌شود، ولی آنچه فطری است، برقرار است و به تعبیر قرآن کریم: «فطرت خدایی» که خداوند، مردمان را بر اساس آن فطرت سرشته است، تغییرپذیر نیست». با این رویکرد، مشخص می‌شود که امروزه هم انسان‌هایی که از نظر فطرت سرزنده‌ترند و گرایش‌های فطری‌شان قوی‌تر است، به سیره‌های سامان یافته بر اساس نقشه فطرت خدایی نیاز دارند.

چیزی که مدل زندگی پیامبر را به ما معرفی می‌کند سیره است. سیره یعنی مجموعه اصول کلی ثابت در زندگی. گاهی برخی بزرگان مسلمانان ما را به سیره توجه داده‌اند. مثلاً سعدی علیه‌الرحمة می‌گوید: میندار سعدی که راه صفا / توان رفت جز در پی مصطفی. اگر کسی زیست انسانی می‌خواهد باید دنباله‌روی راه و رسم پیامبر باشد. همچنین علامه اقبال لاهوری نیز می‌گوید: «تا کجا بی‌غیرت دین زیستن؟ / ای مسلمان مردن است این زیستن! ، مرد حق باز آفریند خویش را / جز به نور حق نبیند خویش را ، بر عیار مصطفی خود را زند / تا جهان دیگری پیدا کند».

باید توجه داشت رویکرد الگویی به معنای ستف‌گری نیست. ظاهرگرایی و به پوست چسبیدن نیست. رویکرد الگویی، مدل زندگی نبوی را برای دنیای امروز استخراج می‌کند.

در کتاب‌های سیره پیامبر تلاش کردم مهمترین اصل رفتاری زندگی پیامبر را معرفی کنم. در سیره اجتماعی پیامبر، نخستین اصلی که مطرح شده است، اصل رفق و مداراست. دلیل تقدم آن هم این است که رفق و مدارا مهم‌ترین قاعده در تمام روابط و تعامل‌های انسانی است و هیچ چیز مانند رفق و مدارا در ساماندهی و تنظیم روابط درست اجتماعی نقش ندارد و پیامبر اکرم(ص) و اوصیای آن حضرت، بیش از هر چیز از آن بهره گرفته‌اند و هنر بزرگ آن پیام‌آور الهی در هدایت آدمی هم بر این اصل اساسی استوار بوده است، به طوری که آن حضرت با رفق و مدارا توانست جامعه جاهل و متعصب آن زمان را متحول سازد.

در حقیقت، خوی نرم پیامبر بود که دل‌ها را جذب می‌کرد و الفت می‌بخشید و جان‌های گریزان را گرد می‌آورد و اگر این روحیه نبود، و این اصل مهم اجتماعی و مدیریتی اعمال نمی‌گشت، قطعاً پیوند میان دل‌ها و وحدت در جامعه و آن حرکت بزرگ اصلاحی میسر نمی‌شد، چنان که خدای سبحان در سوره آل عمران (ایه 159) به صراحت تمام، این حقیقت را بیان فرموده است که:

«به لطف رحمت الهی، با آنان نرم‌خوی و پر مهر شدی، و اگر درشت‌خوی و سخت دل بودی بی‌شک از پیرامون تو پراکنده

می‌شدند. پس، از آنان درگذر و برایشان آموزش بخواه.»
بنابراین رسول خدا(ص) رسالت خود را با رفق و مدارا پیش برد و این اصل در تحول انسان و جامعه به سوی کمال و اصلاحات اجتماعی نقشی کلیدی دارد. پیامبر اکرم(ص) نیز در مواردی رسالت خود را بر این اساس معرفی فرموده، چنان که حدیثی آمده است: «پروردگارم مرا به مدارا فرمان داد، همان گونه که مرا به تبلیغ رسالت فرمان داد.»